



سوره مبارکه ذاریات

– پنج سوره داریم که با «واو» قسم به این سبک می‌آید؛ یعنی قسم‌هایی که بعد از آن اسم فاعل و اسم مفعول قرار می‌گیرد. به جز سوره مبارکه «عادیات» چهار سوره دیگر یعنی «نازعات»، «مرسلات»، «صافات» و «ذاریات» درباره ملائکه هستند. هر کس بخواهد ساختار ملائکه را در این عالم بداند به این چهار سوره مراجعه کند. طبق این سوره مبارکه همه اتفاقاتی که در عالم رخ می‌دهد با وساطت ملائکه است.

خاصیت سوره مبارکه «ذاریات»:

– وقتی سوره ذاریات را می‌خوانیم باید با آیات آن همراه شویم تا دریابیم ملائکه چگونه عمل می‌کنند.
– هر کسی این سوره را بخواند «قرار» می‌گیرد؛ زیرا سیستم قرار در آن وجود دارد. بالاخص کسانی که احساس اضطراب دارند، با قرائت این سوره می‌توانند از اضطراب‌هایشان رها شوند.
– خواندن این سوره برای رفع مشکلات دنیایی بسیار توصیه می‌شود.
** اشارات: در ادامه به بعضی از نکات این سوره اشاره می‌کنیم:

۱- در آیه ۲۳ سوره، بحث «نطق» مطرح شده و قسم یاد می‌شود آنچه که وعده داده شده‌اید، حق است.
۲- وقتی کسی حرف می‌زند این اتفاقات می‌افتد: اولین کاری که فرد می‌کند؛ فکر می‌کند و از جایی غرضی را پیدا می‌کند. به عنوان مثال وقتی کسی از ما سؤال می‌پرسد، ما فکر می‌کنیم و سپس یک نظام واژه می‌یابیم تا مفهوم را به طرف مقابل انتقال بدهیم. سعی می‌کنیم بهترین کلمات را برای آن جواب پیدا کنیم. پس ابتدا یک انگیزشی برای حرف زدن وجود دارد و سپس جستجوی کلمات. سپس در ادبیاتی که بهترین حالت باشد این کلمات را در قالب جوابی ارائه می‌دهیم و سعی می‌کنیم کلمات را جمله‌بندی کرده و به صورت جمله و عبارت در آوریم تا مقصود سخن را به شنونده منتقل کنیم.

– حال با توجه به این توضیحات آیات را بخوانید. فرض کنید کسی از شما سؤال پرسیده است. آیات را بخوانید:

آیه (۱): «وَالذَّارِيَاتِ ذُرُوءًا» در ذهنمان تکانی ایجاد می‌شود و انگیزشی به وجود می‌آید.

آیه (۲): «فَالْحَامِلَاتِ وِقْرًا» سپس یک سری کلمات با معنا را انتخاب می‌کنم.

آیه (۳): «فَالْجَارِيَاتِ يُسْرًا» این سخنان را در عبارتی ساده که قابل فهم است می‌گویم.

آیه (۴): «فَالْمَقْسَمَاتِ أَمْرًا» سپس جمله‌بندی کرده تا این سخنان کم یا زیاد نباشد.

آیه (۵): «إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ» اگر حرف خوب بزنم، طرف مقابلم می‌فهمد.

آیه (۶): «وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ» به هر حال یک غایتی اتفاق می‌افتد. یعنی یا دعویمان می‌شود و یا آشتی می‌کنیم. نظام عالم به همین سادگی است مانند همین حرف زدن ...

آیه (۲۱): «وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ» می‌خواهیم نقشه عالم را در نفس‌هایتان نشان دهیم.

آیه (۲۲): «وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ» رزقتان در آسمان است؛ همان جایی که رفتید کلمه بردارید آنجا را «آسمان» می‌گوییم.

آیه (۲۳): «وَفَوْ رَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ» این آیه بسیار جالب است و خدا می‌خواهد حقانیت وعده‌های خود را ثابت کند.

آیه (۲۴): «وَهَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ»، آیه (۲۵): «إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامًا قَوْمٌ مُنْكَرُونَ»، آیه (۲۶): «فَرَاغَ إِلَى

أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعَجَلٍ سَمِينٍ»، آیه (۲۷): «فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ»، آیه (۲۸): «فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ وَبَشَّرُوهُ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ»، آیه (۲۹):

«أَقْبَلَتْ إِشْرَاقُهُ فِي صَرَّةٍ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ»، آیه (۳۰): «لَوْ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ»، آیه (۳۱): «فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ»، آیه (۳۲): «وَإِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَى قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ»، آیه (۳۳): «لِنُلِّقَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ طِينٍ»

- اگر قسم‌های اول سوره را در همه آیات بررسی کنیم، خواهیم دید همه آنچه درباره نطق گفتیم در تمام آیات قابل مشاهده است. به عنوان مثال در داستان حضرت ابراهیم ملائکه‌ای از آسمان آمدند که عامل انگیزی وجود داشته است. این عامل انگیزش منجر شده به نزول رزق از آسمان شده که خود این ملائکه رزق اند و در ساحت تقدیر جریان یسری اتفاق افتاده است.

هر کدام از این‌ها را می‌نگریم می‌بینیم در پشت آن یک جریان یسری وجود دارد که تقسیم شده است. برای داستان حضرت ابراهیم (علیه السلام) بشارت به فرزند و در قسمت قوم لوط ارسال سنگ‌هایی از آسمان بر سر آنان. عوامل این سیستم یک گروه‌اند که همان ملائکه‌اند؛ یکی از آنان بشارت بر حضرت ابراهیم است و یکی از آنان آورنده عذاب بر سر قوم لوط است.

آیه (۳۴): «مُسَوِّمَةٌ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُؤْمِنِينَ»

نکته: این سوره درست مانند حرف زدند است که وقتی کسی حرف می‌زند تحقق خارجی پیدا می‌کند.

آیه (۳۵): «فَأَخْرَجْنَا مَنْ كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»، آیه (۳۶): «فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ»، آیه (۳۷): «وَ تَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ»، آیه (۳۸): «وَ فِي مُوسَى إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَى فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ»، آیه (۳۹): «فَتَوَلَّى بِرُكْنِهِ وَقَالَ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ»، آیه (۴۰): «فَأَخَذْنَا وَ جُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ وَ هُوَ مُلِيمٌ»، آیه (۴۱): «وَ فِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ»، آیه (۴۲): «مَا تَذَرُ مِنْ شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلْنَاهُ كَالرَّمِيمِ»، آیه (۴۳): «وَ فِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا حَتَّى حِينٍ»، آیه (۴۴): «فَعَثُوا عَنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ وَ هُمْ يَنْظُرُونَ»، آیه (۴۵): «فَمَا اسْتَطَاعُوا مِنْ قِيَامٍ وَ مَا كَانُوا مُتَّصِرِينَ»، آیه (۴۶): «وَ قَوْمَ نُوحٍ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ»، آیه (۴۷): «وَ السَّمَاءَ بَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ»، آیه (۴۸): «وَ الْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ» این آیات از این نظر هم بسیار جالب است که محدوده بیتی که خدا به شما نشان می‌دهد آسمانی دارد به بلندای بی‌نهایت و زمینی را هم فرش کرده که به فرش کردن آن می‌نازد. اگر با دید خدا به زمین بنگریم زمین را فرش شده می‌بینیم.

در قسمت بعدی آیات نوبت این است که به مخلوقات نگاه کنیم. یعنی آنچه که در زمین و آسمان استقرار دارند را بیان می‌کند.

آیه (۴۹): «وَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»، آیه (۵۰): «فَقِرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ» ففروا الی الله یعنی به عبارتی با همه این زیبایی‌هایی که در زمین وجود دارد، اما جای ماندن نیست و جای این نیست غیر از خدا الهی دیگر در نظر بگیرید.

آیه (۵۱): «وَ لَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ»، آیه (۵۲): «كَذَلِكَ مَا آتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ» متأسفانه سنتی وجود داشته که هرگاه رسولی آمده است عده ای به او نسبت ساحر یا مجنون داده‌اند، مواظب باشید شما جزء آن‌ها نباشید.

آیه (۵۳): «أَتَوَاصَوْا بِهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ» همین که انسان به سمت طغیان برود، مانند این است که به رسول ساحر یا مجنون گفته است.

آیه (۵۴): «فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٍ» مهم ترین عذابی که انسان می‌تواند دچارش شود این است که پیامبر دستش را رها کند.

آیه (۵۵): «وَ ذَكَرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ»

آیات آخر بسیار آشناست. زیرا هرگاه می‌پرسند هدف از خلقت انسان چیست، آیه ۵۶ را می‌خوانیم. ولی بهتر است این آیه با دو آیه بعدش خوانده شود، زیرا دو آیه بعد فضای بحث را عوض می‌کند و درمی‌یابیم بحثی فراتر از آنچه هدف خلقت است، مطرح می‌باشد.

آیه (۵۶): «وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»، آیه (۵۷): «مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَ مَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُونَ»، آیه (۵۸): «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ»، آیه (۵۹): «فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا مِثْلَ ذُنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَجِيبُونَ»، آیه (۶۰): «فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ»

سؤال: چه رفتاری در انسان‌ها تعبیر به روزی دادن به خدا می‌شود؟

پاسخ: اگر نیاز به خدا را برای بعضی لحظه‌ها در خودمان بدانیم و یا تغییر و تبدیل برای خدا قائل باشیم، یعنی در هر حالتی به نوعی قائل به روزی دادن به خدا هستیم.

اللهم صل على محمد وآل محمد والحمد لله رب العالمين